اطلاعات
Ettelaat Newspaper
۱۳۰۵
سه شنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ ۱۴ شوال ۱۴۴۵
۲۳ آوریل ۲۰۲۴ سال نود و هشتم * شماره ۲۸۶۵۱
ettelaat.com ettelaatonline

نگرش فرهنگی در اوج ناملایمات

هوشمندانه گفت آن اسقف فرانسوی که تاریخ لبنان را باید به دو بخش قبل و بعد از امام موسی صدر تقسیم کرد. محور فعالیت وی پرورش انسانیتِ انسان فارغ از هر نژاد و مکتب و بیدارکردن احساس مسئولیت در مردم برای التیام دردهای بشری بود. از این روی صدایش بازتاب یافت و دلها را متوجه خود ساخت و تا امروز که حدود ۴۵ سال از ربوده شدنش می گذرد، فراموش نشده است

دکتر فاطمه صدرعاملی
خواهرزاده امام موسی صدر

مقاله
اجتماعی ـ فرهنگی

لبنان سرزمینی کوچک با مساحتی حدود ۱۰۴۵۲ کیلومتر مربع است که در سال ۱۹۴۳ به صورت کشور مستقلی درآمد. بعد از جنگ جهانی اول و پس از فروپاشی عثمانی، دولت فرانسه و انگلیس تصمیم به تقسیم‌بندی و تجزیهٔ منطقه می گیرند. منطقهٔ شام، سوریه و لبنان سهم فرانسه می شود و عراق و اردن و فلسطین سهم انگلستان. در لبنان بیش از شانزده فرقهٔ مذهبی وجود دارد. هر فرقهٔ مذهبی تشکیلات دینی، سیاسی و نظامی مستقل دارد. طبق قانون اساسی لبنان سران دولتی طبق فرقه‌های مذهبی تقسیم می‌شوند: رئیس جمهور و فرمانده ارتش مسیحی است، نخست‌وزیر سنی است و رئیس مجلس شیعه. لبنان از نظر جغرافیایی بسیار زیباست و قسمت زیبا و پیشرفته آن یعنی بخشهای ساحلی که بیشتر ارتباط به خارج از کشور دارد، سنی‌نشین و مسیحی هستند. از شمال و شرق با سوریه، از غرب با دریای مدیترانه و از جنوب با فلسطین هم‌مرز است. لبنان نیز میدان درگیری و رقابت احزاب مختلف بود و قدرت‌های خارجی هم در لبنان درگیر رقابت بودند.

جامعه شیعه لبنان از فرقه‌های عقب‌مانده بودند و به دلیل مشکلات موجود قادر به حرکت و پیشرفت نبودند. این عقب‌ماندگی دو سر داشت: یک عاملش زعمای قوم و فئودال‌ها بودند و عامل دوم، خود مردم که نمی توانستند حقشان را مطالبه نمایند. مسئولان جامعه شیعه بیشتر از میان فئودال‌ها بودند و تنها به منافع خویش می اندیشیدند و احساس مسئولیتی نسبت به مردم نداشتند. آن چنان غرق در خودخواهی و خوشگذرانی بودند که بدبختی و فقر شیعیان تکانشان نمی‌داد. به نفع آنان بود که مردم عقب‌مانده باشند و توانایی ابراز خواسته‌های خود را نداشته باشند. در چنین وضعیتی **علامه شرف‌الدین** ـ بزرگ شعیان لبنان ـ که آوازه استعداد و توانایی امام **موسی صدر** را در کارهای فرهنگی شنیده بود، از ایشان دعوت می کند تا برای اصلاح امور شیعیان به لبنان برود.

امام موسی صدر تحصیلکرده حوزه قم و نجف و دانشگاه تهران بود و در فعالیت‌های فرهنگی، حوزوی و مطبوعاتی چهره درخشانی از خود نشان داده بود. تحصیلات حوزوی وی در نجف و درخشش وی در آن دیار نیز عاملی برای این انتخاب بود. از طرفی همکاری و نوع ارتباط وی با نواندیشان دینی در ایران (در سالهای دهه ۲۰) لیاقت و توانایی او را در مدیریت و اصلاح امور شیعیان نوید می‌داد. امام موسی صدر این دعوت را پذیرفت و در سال ۱۳۳۸ ش با خانواده به لبنان مهاجرت کرد. محور فعالیت وی پرورش انسانیتِ انسان فارغ از هر نژاد و مکتب و بیدارکردن احساس مسئولیت در مردم برای التیام دردهای انسانی بود. مشاهده فقر فرهنگی و مالی شیعیان او را بر آن داشت که بهبود وضعیت اقتصادی آنان را جزو اولین اهداف خود قرار دهد.

اصلاحات اقتصادی و اجتماعی

امام موسی صدر دستور داد فهرستی از اسامی و نشانی افراد محروم تهیه شود که البته بعضی از آنها شناسنامه هم نداشتند. سپس زمینه کار را ایجاد کرد و مشاغل ساده‌ای برای آنها در نظر گرفت. همچنین کمکهای مالی برایشان ارسال کرد و از آنان محترمانه دعوت به کار نمود. از بزرگان فرقه شیعه و سازمان‌های دولتی نیز برای رسیدگی به وضعیت شیعیان و احقاق حق آنان دعوت نمود و به این طریق فعالیت‌های چند جانبه‌ای را با مشارکت خود مردم به راه انداخت.

در همان حال با برنامه‌ریزی‌های مناسبی برای آموزش و پرورش آنان اقدام کرد. او خوب می دانست که دست یافتن به اعتماد به نفس و عزت، در گرو کار و داشتن شغل و پرهیز از دریوزگی است. آموزش و پرورش را تقویت کرد تا با بالا رفتن سطح آگاهی، وضعیت مردم بهتر شود. از همان ابتدا برای پیشرفت زنان و دختران و آموزش دادن به آنها برنامه‌ریزی کرد. خواهرش خانم **رباب صدر** مؤسسه «بیت الفتات» (خانه دختران) را برای آموزش کارهای دستی و یادگیری آن تأسیس نمود تا دختران و زنان هم سواد بیاموزند، هم در کار اجتماعی شرکت کنند و هم فرزندان شایسته پرورش دهند.

تأسیس مجلس

همان طور که آمد، لبنان کشوری است که فرقه‌های مختلف در آن زندگی می کنند و هر کدام از فرقه‌ها از مسیحی گرفته تا سنی و شیعه هم به امور اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مردم خود می پردازند و هم در سطح کشور با هم همکاری می کنند. به این معنا که در کنار پارلمان کشور لبنان هر کدام از فرقه‌ها هم به صورت فدرال برای خود پارلمان دارند.

قبل از حضور امام موسی صدر، شیعیان چنین مجلسی نداشتند و زعمای قوم به منافع و پیشرفت شیعیان اهمیتی نمی دادند و بودجه مربوط به آنها را به خود و فربه کردن امکانات‌شان اختصاص می دادند. امام موسی صدر اهمیت چنین نهادی را برای پیشرفت شیعیان ضروری می دانست و در سال ۱۹۶۷ به یاری همفکرانش دست به تأسیس «مجلس اعلای شیعیان» زد. از این طریق شیعیان و طبقات محروم در اداره امور سهیم شدند و می توانستند حق خود را از دولت مرکزی مطالبه کنند. در فعالیت‌های مجلس همکاری سازنده با فرقه‌های دیگر موجود در لبنان جزو برنامه بود و اگر برای طبقه محروم تقاضای پروژه‌ای می شد، شامل همه محرومان بود و نه فقط شیعیان.

امام موسی صدر تلاش زیادی در راه احقاق حق محرومان انجام می داد و برای آنکه دولت به خواسته‌های طبقات محروم اهمیت دهد، راهپیمایی‌های مردمی برگزار می کرد و خود هم با آنان راه می رفت. یک بار هم به این منظور برنامه اعتصاب غذا ترتیب داد و دولت حاضر به انجام کار آبادانی مورد نظر در آن منطقه شد.

تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز

امام موسی صدر توجه خاصی به جوانان داشت و آنان را امید آینده جامعه می دانست. توانمندسازی آنان برای ساختن جامعه سالم از برنامه‌های او بود. لازم به ذکر است که بسیاری از جوانان که دغدغه اجتماعی داشتند، قبل از حضور امام موسی صدر وارد احزاب چپ لبنان شده بودند. او جوانان را پرتوان و پرانرژی معرفی می کرد که قادر هستند با انجام کارهایی به ساختن جامعه کمک کنند. به آنان می گفت: شما توان صبر و مدارا و تحمل بیشتری نسبت به دیگر قشرهای جامعه دارید. به دلیل آنکه در آغاز راه هستید و مانند بزرگترها صاحب منصب و مال نیستید و چیزی جمع نکرده‌اید که نگران از دست دادنش باشید. آنان را به همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران تشویق می کرد و از خشونت بر حذر می داشت و می گفت فرقه‌ها پنجره‌های تمدنی گشوده به روی تولیدات گسترده انسان‌ها هستند که آن تولیدات با هم فرق دارند. تعامل مثبت میان فرد و فرد، اقلیم و اقلیم، گروه و گروه، فرقه و فرقه و حزب و حزب با وجود تفاوت‌هایشان، راز شکل گیری جامعه شماست.

او به جوانان اطمینان می داد که با توجه به توان خود، می توانند سهمی در پیشرفت جامعه خود و جهان داشته باشند. چنین برخوردی ریشه نفرت به دیگران و حسادت به جوامع پیشرفته را می سوزاند و انگیزه دست زدن به خشونت و کارهای تروریستی را از بین می برد. سخنان مداراجویانهٔ امام موسی صدر، احساسی را که مبتنی بر انتقام از کسانی است که به عنوان دشمن و مانع پیشرفت معرفی می شدند، از بین می برد. او به جوانان (چه پسر و چه دختر) می گفت که در پی تحقیقات و دستاوردهای تازه باشند تا سهمی در پیشرفت جهان علم داشته باشند و داد و ستد علمی با جهان پیشرفته برقرار کنند. برای تساوی زن و مرد نیز تلاش گسترده‌ای داشت و می گفت: برای احقاق حقوق بانوان از هیچ اقدامی صرف نظر نخواهم کرد.

فعالیت و تلاش امام موسی صدر برای بیدارکردن احساس مسئولیت اجتماعی تنها شامل شیعیان نبود. او همه مردم را تشویق می کرد، زیرا انسانیت برای او مهمتر از هر چیزی بود و به تدریج مورد احترام همه گروه‌های مذهبی و سیاسی قرار گرفت. فعالیت وی تنها در مسجد نبود، بلکه در کلیسا هم بود، تنها در مراکز دینی فعال نبود، بلکه در مراکز تصمیم‌گیری دولتی هم بود، تنها در مدرسه فعال نبود، بلکه در سالن‌های اجتماعات هم بود و با سخنرانی‌ها و دعوت به کار و همدلی بر اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای تشکیل جامعه سالم تأکید می کرد.

> تلاش امام موسی صدر برای بیدارکردن احساس مسئولیت اجتماعی تنها متوجه شیعیان نبود. او همه را تشویق می کرد، زیرا انسانیت برایش مهمتر و به تدریج مورد احترام همه گروه‌ها قرار گرفت. وی تنها در مراکز دینی فعال نبود، بلکه در مراکز تصمیم‌گیری دولتی هم بود، تنها در مدرسه فعال نبود، در تالار اجتماعات هم بود و با دعوت به کار و همدلی بر اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای تشکیل جامعه سالم تأکید می کرد

مقاله

یادداشت های روزانهٔ جلال آل احمد

به کوشش محمدحسین دانایی

بخش صد و سی‌ام

«تاتی» هم تمام شد. شُکر، یک دنیا. پوستم را کند. از خرداد شروع کردم و تمام تابستانم به غلط گیری فارسی و لاتین گذشت و راستی خسته‌ام کرد و ۱۵ مهر، نه ۲۵ مهر تمام شد و رفت دست صحاف، یعنی آن را هم نمی دانم که رفته یا نه، بقیه‌اش با من نیست. خلاص شدم. اتفاق افتاد که یک فرم یک ماه دستم بود، یعنی یک فرم ۱۶ صفحه‌ای، و چه حک و اصلاح‌ها! و تازه چیز گُ...ی از آب درآمده است. فکر می کنم از این نوع این آخرین کارم باشد. همین دو تا کافی است، برای نمونه هم که شده.

دیگر اینکه «جمال زاده» [محمدعلی] در شمارهٔ اخیر مجلهٔ «بارقاطر» [احسان یارشاطر] یعنی «راهنمای کتاب» برداشته و یازده صفحه در بارهٔ «مدیر مدرسه» سرقلم رفته، تعریف و تمجید و نثر سهل و ممتنع و همچون فولاد ریخته والخ... و البته مقداری هم ایرادهای نیش غولی و بعد هم مقداری نصیحت‌آلات پیرانه، که همین آخری‌هاش کلافه‌ام کرد و نشستم یک کاغذ برایش نوشتم در هفت ـ هشت صفحه و خیال دارم ماشین کنم برایش بفرستم. گرچه همین نوشتن آن کارم را تمام کرده و فکر نمی کنم دیگر به فرستادنش همت کنم. تا بعد چه پیش آید. مردکه این طور که پیداست، سرِ پیری واقعاً بیکار شده!

دیگر اینکه «وثوقی» [ناصر] آمده که مجله‌اش را دربست در اختیار من بگذارد تا اداره کنم. بدم نمی آید، چون کار مرتبی خواهد بود و من باز مدتهاست که کار مرتب نکرده‌ام، ولی فکرش را که می کنم، می بینم برای چه و برای که؟ و به هر صورت، هنوز مردّدم. باز تا چه پیش آید!

دیگر اینکه از «صدف»[1] آمدند اینجا که بعله، همکاری و مقاله و الخ. فحشی‌شان کردم و خداحافظ. «تقی مدرسی»[2] بود و «اخوان ثالث»[3]...

دیگر اینکه از مجلهٔ «تهران مصور» تلفن کردند ـ «والا» [عبدالله] ـ و به چه اصراری که بروم و همکاری و همان قُزعبلات. قول دادم که می آیم و نرفتم، یعنی هر چه گفتم این کاره نیستم، «والا» نخواست بپذیرد. من هم ناچار برای اینکه از شرش خلاص شوم، قبول کردم که به وعده‌گاه بروم، اما نرفتم. بالاخره به این پدرسوخته‌ها یک جوری باید فهماند که ما از یک قماش نیستیم.

دیگر اینکه عهدوعیال خیال دارد کار دانشگاهش را این دفعه هر طور شده، درست کند و به این مناسبت، هو انداخته که مجله را هم وِل خواهد کرد. آنها هم شیر به پستانشان آمده که پس فلانی بیاید اینجا و کار مجله را بکند. خلاصه اینکه از «جمال زاده» گرفته تا «تهران مصور» و از «پهلبد» [مهرداد] گرفته تا «اخوان ثالث» همه‌شان دندان برای این یک لقمه فارغ البالی فقیر تیز کرده‌اند. فعلاً بگذار همه‌شان سماق بمکند. به همین مناسبات، شاید بالاخره کار «وثوقی» را قبول کردم که مجانی است و دردسرهای آن نوعی را ندارد و خودم می دانم و خودم و یک طومار فحش در لفافه پیچیده و بعد هم توقیف مجله و خلاص!

دیگر اینکه کار انتقالم هنوز در هواست. این «رازانی» مایل نیست. شاید هم خودش کسی را زیرِ سر گذاشته. به هر صورت، هنوز آقامعلمم! و هفته‌ای ۱۸ ساعت، درست مثل پارسال. این وعده‌ها را هم به خودم داده‌ام و راستی، حالا دیگر دستم به کار معلمی نمی رود.

دیگر اینکه دیشب رفتیم به تماشای فیلم La strada ای «فلّینی».[4] همین «کاوسی» [امیرهوشنگ] و دیگران که فیلم بازی می کنند، فستیوال درست کرده‌اند برای تهران که دیشب افتتاح شد. «سرخ و سیاه»[5] را هم خواهند داد و از این نوع فیلم‌ها. دیشبی که راستی عجیب بود. تضاد خشونت مردکه و کودکیِ بُله‌آمیز زنک کار را وحشتناک کرده بود و این عهدوعیال انقدر عَرَ زد که دل از حلقمان درآمد، به یاد مادرش. تازگی از فیلم‌های خوب دیگری که دیدیم، «ملکهٔ برفی»[6] و «راه طولانی» روسها بود و «برگرد شیبای کوچک»[7] امریکائی‌ها و همه خوب.

دیگر اینکه «صدیقی» [پرویز] از مشهد یک تکه شال برایم آورد که دادم کت شکاری کرده، خیاط، با یک شلوار سبز و روی هم ۱۳۰ تومان برای فقرا خرج شد. یک دست لباس به ۱۳۰ تومان خیلی خوب است، به خصوص که لباس نداشتم. غیر از یک دست تابستانی، با اینکه تازه درست شده، فقط سه دست لباس زمستانی دارم و یکی ـ دو تا کت و شلوار پاره که هم توی خانه می پوشم و هم بیرون و هم در کوهنوردی‌ها.

دیگر اینکه تا یک شاهی آخر مطالباتمان را بابت شمارهٔ اخیر مجله از ادارهٔ مرحوم هنرهای زیبا گرفته‌ایم. اخیراً یک ۱۲۰۰ تومان و یک ششصد تومان من گرفتم و عهدوعیال هم مرتب پولش را گرفته. اگر کارمان تخته شد، خیالمان تخت است که مفت کار نکرده‌ایم. علاوه بر این، خرجی که برای بنّائی شد، یک دوهزارتومانی «منوچهر» [دانشور] بدهکارمان است و هزاری «اسماعیل‌زاده» [عیسی] و هزاری خواهرم. که این سومی را قرضُ‌الپَس‌نَده هم می شود حساب کرد. و در مقابل این مطالبات، فعلاً یک ۱۲۰۰ تومانی به بانک رهنی بدهکاریم که برای خرج بنّائی «سیمین» رفت و نقره‌هایش را گذاشت و دو تا تکه جواهری که دارد. این هم بود که بابت کار خارک بالاخره با صد من «تو بمیری، من بمیرم»، بی هیچ قرار و مدار نوشته‌ای، فقیر رفت و سه هزار تومان بابت آن گرفت که خیلی به درد بنّائی خورد. کارم را که تمام کردم، خواهم دید که چقدر می ارزد. اگر بیش از اینها بود که خواهم خواست و فکر نمی کنم قبول نکنند.

به هر صورت، وضع مالی روبراه شده است و احتیاجی به خرحمالی و دریوزگی و منت کشیدن و خود را فروختن نیست. برای این کار خارک هم اگر به صورتی درنیامد که به درد خودم بخورد، بهشان خواهم داد و امضا هم نخواهم کرد، وگرنه برای خودم نگهش می دارم و سنگ گُنده می اندازم و پولشان را هم پس می دهم و بعدها خودم چاپ می زنم. و این کار خارک فعلاً معطل دو چیز است که بنشینم و تمامش کنم: یکی معطل گزارش علمی زمین‌شناسی از جزیره و دیگر منتظر «شاپوریان» [رضا] که قرار است کتاب آن مردکه «نیبور» [کارستن] هلندی را برایمان عکس بیندازد و بفرستد. از این هلندی‌های جهود خاک بر سر که خیری برنیامد. پس از یک ماه نشستن و گفتن و حرف و سخن، برداشته‌اند دو صفحه مطلب رسمی از اسناد سیاسی‌شان را ترجمه کرده‌اند به فرانسه و قلمی برایم فرستاده‌اند.

«ساتن» [الول] خیلی به درد خورد، هم عکس مطالب مجلهٔ جغرافیائی سلطنتی را خواست، برایم آوردند و هم یک جلد کتاب Ives [ادوارد ایوز] را که الآن جلوی رویم است. از او سخت تشکر خواهم کرد. حیف که زنش دیوانه است و با «صدیقی» نساختند و رفتند خراب شده‌اند سر بابای «صنعتی‌زاده» [همایون] و به فلاکتی زندگی می کنند، وگرنه می شد نشست و باهاش ش... خورد و مسخرگی کرد. از بدبخت‌های عالَم بود! با آن زن سابقش و این زن فعلی. مثال ملاست با زن بدترکیب و نجیب و بداخلاقش که تنها و اختصاصی بود، و زن دومی که گرفت و زیبا و خوشرو و اجتماعی بود! این بیچاره کار را به عکس ملا کرده، یعنی اول زن خوشگل داشت، حالا برعکس! زنک راستی مریض است. حالا هم از بس تخم مرغ خورده‌اند، یرقان گرفته‌اند، بچه‌ها و زنکه همه‌شان یکی پس از دیگری و «ساتن» می گفت مرض مسری است. به حق چیزهای تازه‌شنیده!

دیگر اینکه در این مدت، هزار و چهارصد تومانی فرش خریدیم، سه تا قالیچه برای اطاق خواب که فرش شد ـ دور تختها ـ و یک گلیم بلند پنج‌متری برای اطاق کار ـ دراز و باریک و درست قالب همین اطاق. و این آخری گرچه کهنه است، ولی یک دنیا می ارزد. به ۳۶۰ چوق خریدم. و قالیچه‌ها را از ۲۵۰ تومان تا ۳۷۰ و به هر صورت، به خودمان رسیدیم و حالا دیگر آن طرف آشپزخانه هم که ساخته بشود، دیگر کار این خانه تمام شده است، یعنی یک خانه‌ای شده است با نقص کمتر...

و الآن یک کره خری آمده است و در می زند و من اصلاً جواب نمی دهم. راحت شده‌ام. تلفن را کشیده‌ام. «سیمین» هم که رفته. کلفت هم با بچه‌اش رفته است مرخصی. راستی، دیگر اینکه کلفت هم گیرمان آمد. به محض اینکه بنّائی تمام شد، طلسم شکست و کلفت گیر آمد. زنکه‌ای از اهالی تربت حیدریه با قیافه‌ای نیمه ترکمن و نیمه افغانی که دختری دارد بسیار لوس و درست مثل گربه‌ای زیر دست و پامان می خزد و گاهی از وجودش ناراحت می شویم و از دروغهائی که می گوید و تنبلی‌هائی که می کند و فضولی‌هائی که دارد. به ماهی ۹۰ تومان، ولی به هر صورت، راحت شده‌ایم.

این یارو که در می زد، مدتی در بالا رازد و جواب که ندادم، آمده در پائین را می زند و حالا هم گویا نومید شد و رفت. از شر آدمهای مزاحم واقعاً دیوانه شده‌ایم. ای داد! هنوز در می زند، یا برای تلفن آمده، یا از این نوع مزاحمت‌ها. وِل کن هم نیست، همین جور می کوبد! پدرسوخته. دو تا در می زنی، جواب که ندادند، می روی دیگر!

ادامه دارد

پی نوشت ها:

۱.صدف، ماهنامه‌ای ادبی که از مهر ۱۳۳۶ تا اسفند ۱۳۳۷ در ۱۲ شماره منتشر شد به مدیریت احمد عظیمی زواره‌ای.// ۲.مدرسی روحانی ـ سید محمدتقی (۱۳۷۶ـ۱۳۱۱ ش)، نویسنده و روان پزشک// ۳.اخوان ثالث ـ مهدی (۱۳۶۹ـ۱۳۰۷ش)، شاعر نوپرداز، متخلص به م. امید// ۴.فلینی ـ فدریکو (۱۹۹۳ـ۱۹۲۰م)، فیلمنامه نویس و کارگردان ایتالیایی // ۵.سرخ و سیاه، رمانی از استاندال، نویسندهٔ فرانسوی.// ۶.ملکهٔ برفی، داستانی کودکانه از هانس کریستین آندرسن.// ۷.فیلمی به کارگردانی دانیل مان، محصول ۱۹۵۲ آمریکا

اطلاعیه

شرکت سرمایه گذاری حرکت ایران (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۷۸۹۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۳۰۹۵۵
دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان سهام برای سال مالی منتهی به ۲۰۲۳/۱۲/۳۱ (۱۴۰۲/۱۰/۱۰)

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت سرمایه گذاری حرکت ایران (سهامی خاص) یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که راس ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۶ در محل دفتر مرکزی شرکت به آدرس تهران، خیابان مطهری، شماره ۲۲۵، کد پستی: ۱۵۸۷۶۱۷۶۱۱ تشکیل می شود، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیات مدیره در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۲۰۲۳/۱۲/۳۱ (۱۴۰۲/۱۰/۱۰)
۲ـ استماع گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۲۰۲۳/۱۲/۳۱ (۱۴۰۲/۱۰/۱۰)
۳ـ تصویب صورت های مالی منتهی به ۲۰۲۳/۱۲/۳۱ (۱۴۰۲/۱۰/۱۰) و اتخاذ تصمیم در خصوص تقسیم سود
۴ـ انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی البدل و تعیین حق الزحمه آنان برای سال مالی منتهی به ۲۰۲۳/۱۲/۳۱ (۱۴۰۲/۱۰/۱۰)
۵ـ تعیین پاداش اعضای هیات مدیره
۶ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های مربوط به شرکت
۷ـ سایر موارد قابل طرح در مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده
همچنین به همراه داشتن معرفی نامه معتبر برای حضور نمایندگان اشخاص حقوقی در جلسه مجمع فوق الزامی می باشد.

هیات مدیره شرکت سرمایه گذاری حرکت ایران (سهامی خاص)

آگهی دعوت

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت نوین نت پارس (سهامی خاص) ثبت شده بشماره ۱۹۸۸۳۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۰۶۵۷۶ دعوت بعمل می آید که راس ساعت ۱۱ صبح مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۹ در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده که واقع در دفتر مرکزی شرکت تشکیل می گردد، حضور بهم رسانید. **دستور جلسه:** انتخاب اعضای هیات مدیره، دارندگان حق امضا و بازرسین شرکت و هر گونه تصمیماتی که در صلاحیت مجمع باشد.

هیئت مدیره شرکت

آگهی فروش سهام شرکت سرمایه گذاری خوارزمی

موسسه توسعه همیاری سپهر در نظر دارد تعداد ۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ سهم (معادل ۲٪) از سهام شرکت سرمایه گذاری خوارزمی (نماد وخارزم) را به صورت یکجا و با شرایط نقد و اقساط با قیمت روز واگذار نماید.
نام شرکت: شرکت سرمایه گذاری خوارزمی **موضوع فعالیت:** سرمایه گذاری **محل فعالیت:** تهران **سال تاسیس:** ۱۳۷۶ **شماره ثبت:** ۱۳۱۷۲۲ **سرمایه شرکت:** ۶,۰۰۰,۰۰۰ میلیون ریال **تعداد سهام قابل فروش:** ۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ **درصد سهام قابل فروش:** ۲٪
متقاضیان در صورت تمایل و اعلام شرایط می توانند با شماره تلفن ۸۸۸۱۰۳۱ (داخلی ۱۶) تماس حاصل نمایند.

«برگزاری مزایده عمومی»

نوبت اول

سازمان تامین اجتماعی
اداره کل استان گیلان

اداره اجرائیات اداره کل تأمین اجتماعی استان گیلان به استناد فصل هشتم آئین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۵ در نظر دارد یکدستگاه اتاقک آزمایش و دو دستگاه «های ولتاژ» (HiVoltage)، متعلق به شرکت تلوان تجارت را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

۱ـ اتاقک آزمایش و دو دستگاه «های ولتاژ» (HiVoltage) به قیمت کل ۱۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان) متعلق به شرکت تلوان تجارت
۲ـ دستگاه های مذکور در اجاره/رهن نمی باشد و به همین صورت واگذار می گردد.
۳ـ شرکت کنندگان در مزایده می توانند پیشنهادات خود را تا پایان وقت مزایده مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۶ به واحد اجرائیات به نشانی: گیلان شهرستان رودبار ـ لوشان خ امام خمینی سازمان تأمین اجتماعی تحویل نمایند. به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر رسیده باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۴ـ مزایده راس ساعت ۹ لغایت ۱۲ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۶ در محل واحد اجرائیات شعبه لوشان به نشانی: گیلان شهرستان رودبار ـ لوشان خ امام خمینی ـ سازمان تأمین اجتماعی برگزار و پیشنهادات واصله باز و قرائت خواهد شد. حضور پیشنهاددهندگان در زمان مزایده بلامانع بوده و متقاضیان می توانند در ساعت برگزاری مزایده حضور یافته و پیشنهادات خود را ارائه نمایند.
۵ـ پرداخت بدهی های مربوط به بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و... برعهده برنده مزایده است.
۶ـ برنده مزایده شخصی است که بالاترین قیمت را در بین قیمت های پیشنهادی که بالاتر از قیمت پایه کارشناسی باشد، ارائه دهد.
۷ـ برنده مزایده مکلف است در روز برگزاری مزایده، نسبت به واریز ده درصد از قیمت پیشنهادی خود به صورت نقد به حساب سازمان و یا در قالب چک تضمین شده بانکی اقدام نماید و باقیمانده مبلغ را حداکثر ظرف سه روز به حساب سازمان واریز نماید. در صورتی که خریدار در روز مزایده نسبت به واریز ده درصد اقدام نماید، لیکن ظرف سه روز از پرداخت باقیمانده مبلغ خودداری کند، مبلغ ده درصد واریز شده ضبط خواهد شد.
۸ـ بدهکار می تواند خود نیز در مزایده شرکت نماید.
۹ـ مباشرین فروش، کارمندان سازمان، ارزیاب دادگستری، نمایندگان دادسرا و یا نیروی انتظامی حق شرکت در مزایده را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ندارند.
۱۰ـ متقاضیان می توانند جهت بازدید از اموال موضوع مزایده از ساعت ۹ تا ۱۱ همه روزه بجز ایام تعطیل به واحد اجرائیات شعبه لوشان مراجعه نمایند.

اداره کل تأمین اجتماعی استان گیلان

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالانه
صاحبان سهام شرکت سیمان صوفیان (سهامی عام)
برای عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹
شماره ثبت ۳۹ شناسه ملی ۱۰۲۰۰۰۰۷۳۸۱

شرکت سرمایه گذاری سیمان تامین (سهامی عام)

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت سیمان صوفیان (سهامی عام) و یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می شود در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه این شرکت که راس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۲ در محل سالن اجتماعات شرکت بین المللی بازرسی کالای تجاری (IGI) واقع در تهران ـ خیابان شهید مطهری ـ بعد از چهارراه قائم مقام فراهانی ـ پلاک ۳۳۴ برگزار می گردد، حضور به هم رسانند. شایان ذکر است حضور در جلسه مذکور با به همراه داشتن مدارک شناسایی معتبر (اصل کارت ملی) و وکالت نامه یا معرفی نامه امکان پذیر خواهد بود. ضمناً سهامداران گرامی که امکان حضور در جلسه را ندارند می توانند از طریق پایگاه اطلاع رسانی این شرکت به نشانی WWW.Soufiancement.com لینک ورود به جلسه را دریافت و به صورت مجازی و آنلاین مشاهده نمایند و همچنین اطلاعات مورد نیاز خود را از سایت WWW.Codal.ir دریافت نمایند. همچنین سهامداران گرامی می توانند سؤالات خود را از طریق سامانه پیامکی به شماره ۱۰۰۰۴۷۲۳۲۲۷۱۱۷ مطرح نموده تا نسبت به پاسخگویی آن مطابق ضوابط مجامع اقدام گردد.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیأت مدیره، حسابرس و بازرس قانونی برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹
۲ـ بررسی و اتخاذ تصمیم درخصوص صورت وضعیت مالی و صورت سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹ و تصمیم گیری درخصوص تقسیم سود
۳ـ انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی البدل شرکت و تعیین حق الزحمه ایشان برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۲۹
۴ـ انتخاب اعضاء هیأت مدیره
۵ـ تعیین حق حضور اعضای غیرموظف هیأت مدیره
۶ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت
۷ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.

سهامداران محترم و یا وکلا و نمایندگان قانونی آنها می توانند جهت دریافت برگه ورود به جلسه با در دست داشتن اصل اوراق سهام و کارت ملی تا یک روز کاری قبل از برگزاری مجمع به محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران خیابان فاطمی ـ روبروی وزارت کشور ـ خیابان میرزایی بی غش (چهارم) ـ نبش کوچه رامین پلاک ۲ ـ طبقه ۲ ـ واحد ۳ مراجعه نمایند.

هیأت مدیره شرکت سیمان صوفیان (سهامی عام)